

## از اتهام جعل تا دست‌نوشت مؤلف

بررسی سه فرضیه درباره متن و دست‌نویس دستورالمنجمین\*

سید محمد عمادی حائری\*\*

### چکیده

دستورالمنجمین یکی از آثار اسماعیلیان نزاری است که بنا بر بعضی شواهد درون‌متنی در حدود سال پانصد هجری نوشته شده است. در بخش پایانی این کتاب، شرحی از احوال و تواریخ زندگانی پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه فرق مختلف شیعه، مخصوصاً ائمه اسماعیلی و بالأخص نزار، آمده است. همین امر، به این کتاب جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های اسماعیلی بخشیده است. از دستورالمنجمین تنها یک نسخه خطی شناسایی شده که در کتابخانه ملی فرانسه محفوظ است و اخیراً به صورت نسخه‌برگردان منتشر شده است. محمد قزوینی در نوشته‌هایش پیرامون دستورالمنجمین و دست‌نویس آن، سه فرضیه را مسلم انگاشته است، که عبارتند از: جعل یک روایت و در ضمن آن انتساب حدیثی به امام رضا<sup>(ع)</sup> به نفع مذهب اسماعیلی از سوی مؤلف دستورالمنجمین، استفاده و اقتباس عطاملک جوینی از این اثر و همین دست‌نویس در تألیف تاریخ جهانگشای، کتابت نسخه یادشده به دست مؤلف و در قلعه الموت. مقاله حاضر، به بررسی آن سه فرضیه درباره متن و دست‌نویس دستورالمنجمین می‌پردازد و می‌کوشد صحت و سقم آنها را با استناد به شواهد و قرائن تعیین کند.

**کلیدواژه‌ها:** دستورالمنجمین، ادبیات نزاری، رجال کشی، تاریخ جهانگشای، الموت

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۹

\* مقاله حاضر تحریر مفصل و مستند گفتار نویسنده در نشست «معرفی و رونمایی دستورالمنجمین» (نشست ۱۱۳ مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۲ دی ۱۳۹۸ ش) است.

\*\* استادیار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) / m.emadi@rch.ac.ir

## درآمد

دستور المنجمین اثری است به زبان عربی در علم نجوم و احکام آن که مؤلف ناشناخته‌اش از اسماعیلیان نزاری بوده است. از این اثر نسخه‌ای منحصر بفرد در کتابخانه ملی فرانسه (پاریس) نگهداری می‌شود که از انجام افتادگی دارد<sup>۱</sup> و اخیراً به صورت نسخه برگردان از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب (تهران) و مؤسسه مطالعات اسماعیلی (لندن) منتشر شده است (نک. دستور المنجمین، ۱۳۹۸).

با توجه به شواهدی همچون ذکر وفات مستنصر فاطمی (د. ۴۸۷ق) در این اثر از یک سو و اشاره تلویحی به حیات حسن صباح (د. ۵۱۸ق) از سوی دیگر، تاریخ تألیف دستور المنجمین در حدود سال پانصد هجری تخمین زده شده است (نک. قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۲۹/۸، ۱۳۹، پانوش ۴؛ همو، ۱۳۹۸: بیست و دو، بیست و هفت، پانوش ۸). بخش واپسین (مقاله دهم) دستور المنجمین به «کلیات التواریخ و احوال الأزمنة» اختصاص دارد (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۴۸۰-۶۹۲) و در آن شرحی از احوال و تواریخ زندگانی پیامبر (ص) و ائمه فرق مختلف شیعه، مخصوصاً ائمه اسماعیلی و بالأخص نزار، آمده است. ذکر احوال امامان اسماعیلی در دستور المنجمین، جایگاه ویژه‌ای به آن در پژوهش‌های اسماعیلی بخشیده و به لطف توجه خاورشناسان به آن نسخه یگانه از سال‌ها پیش در مطالعات و تحقیقات تاریخ تشیع اسماعیلی مورد توجه قرار گرفته و به آن استناد شده است. محمد قزوینی (د. ۱۳۲۸ش)، دانشمند نامدار ایرانی، در یادداشت مفصل خود درباره دستور المنجمین و دست‌نویس آن و توضیحاتش در حواشی تاریخ جهانگشای، سه فرضیه را درباره دستور المنجمین و دست‌نویس منحصر بفرد آن مسلم انگاشته است. این سه فرضیه عبارتند از: جعل یک روایت و در ضمن آن انتساب حدیثی به امام رضا (ع) به نفع مذهب اسماعیلی از سوی مؤلف دستور المنجمین، استفاده و اقتباس عطاملک جوینی از این اثر و همین دست‌نویس در تألیف تاریخ جهانگشای، و بالأخره کتابت نسخه یادشده به دست مؤلف و در قلعه الموت. در مقاله حاضر، به بررسی آن سه فرضیه درباره متن و

۱. برای توصیف این نسخه، نک. صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۸: سی و نه - چهل و دو.

دست‌نویس دستور المنجمین خواهیم پرداخت و می‌کوشیم بر اساس شواهد و قرائن صحّت و سقم آنها را تعیین کنیم.

### ۱. جعل خبر یا تفسیر به رأی؟

چنان‌که می‌دانیم، کتابی که امروزه با عنوان رجال کشی در دست است منتخبی است که شیخ ابوجعفر طوسی (د. ۴۶۰ق) از کتاب الرجال (یا: کتاب معرفة الرجال) ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (از علمای امامیه ماوراءالنهر در قرون سوم و چهارم)<sup>۱</sup> برگزیده و به اختیار معرفة الرجال مشهور است.<sup>۲</sup>

قزوینی در زمان اقامتش در پاریس، در سال ۱۹۲۲م (= ۱۳۰۱ش) یا اندکی پیش‌تر، به نسخه‌ای کهن و ارزشمند از اختیار معرفة الرجال (کتابت: ۶۰۲ق) دست یافت و آن را خرید (نک. قزوینی، ۱۳۵۶: ۷۱). قزوینی، که در روزگار طلبگی «مبهماً اسم این کتاب را شنیده بود» ولی نسخه‌ای از آن را ندیده بود (همان‌جا)، با کشف و خرید این نسخه بر سر ذوق آمد و از آنجا که این اثر را «کتاب بسیار عجیب فوق‌العاده نفیس دلکش مفید ممتعی» یافت (همان: ۷۲) قصد کرد تا رجال کشی را بر اساس این دست‌نویس تصحیح و منتشر کند؛ اما اندکی بعد که باخبر شد این کتاب در بمبئی چاپ شده - هرچند «مغلوپ مثل اغلب کتب چاپ آنجا» - «از چاپ ثانوی انتقادی - به طرز اروپا - سرد» شد و از تصمیم پیشین خود برگشت (نک. همان: ۷۴-۷۸، ۹۹). نسخه قزوینی، چنان‌که وی اشاره کرده است، «مشمتمل است... فقط بر باب چهارم الی باب هفتم، که باب اخیر [کتاب] است» (همان: ۷۵). این نسخه بعدها، پس از وفات قزوینی، به دانشگاه تهران منتقل شد و یکی از نسخه‌های اساس تصحیح و طبع حسن مصطفوی از اختیار معرفة الرجال قرار گرفت (نک. مصطفوی، ۱۳۴۸: ۲۱، ۲۴-۲۵، ۲۹، ۳۱).

۱. درباره کشی و عنوان کتابش، نک. طوسی، ۱۴۲۰: ۸۰، ۴۰۳؛ نجاشی، ۱۴۲۴: ۳۷۲؛ نیز ابن طاووس، بی‌تا: ۱۳۱.

۲. طوسی خود از این برگزیده با عنوان «اختیار الرجال» نام برده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۵۱). نسخه‌های موجود

اختیار معرفة الرجال حاوی مقدمه‌ای از طوسی نیست، اما ابن طاووس (د. ۶۶۴ق) بخشی از خطبه این کتاب را

- که طوسی بر شاگردانش املاء کرده بود - نقل کرده است (نک. ابن طاووس، بی‌تا: ۱۳۰-۱۳۱).

مؤلف دستور المنجمین در ذیل شرح حال امام رضا<sup>(ع)</sup> به خبری از رجال کشی استناد و مضمون آن را اعتراف امام رضا<sup>(ع)</sup> به امامت عمویش، اسماعیل، تفسیر کرده است. عبارت دستور المنجمین چنین است: «اعترف بإمامة اسماعیل - رضی الله عنه - قال: "أجمع علیه کبارکم و مشیختکم (اصل: مستحکم؛ کذا)، فأدخله جعفر فی کتاب الصدقة وکان إماماً". الخبر بطوله فی کتاب الرجال عن الکشی» (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۸۸).

قزوینی بر این عبارت دستور المنجمین خرده گرفته و نوشته است: «واضح است که هم اصل این خبر (مانند بسیاری از اخبار دیگر منقوله در این کتاب در نصرت مذهب اسماعیلیه) و هم نسبت روایت آن به کشی از مجعولات متعصبین اسماعیلیه است که یکی از اظهر افراد آنها مصنف دستور المنجمین بوده است» (قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۱۷/۸، پانوش ۱؛ نیز همو، ۱۳۹۸: چهارده، پانوش ۵). قزوینی در جایی دیگر نیز خبر مذکور را از «مجعولات و موضوعات اسماعیلیه» تلقی کرده (نک. همو، ۱۳۴۵: ۱۱۷/۸، پانوش ۲؛ نیز همو، ۱۳۹۸: پانزده، پانوش ۱)، و در یک جا نیز نوشته است که مؤلف دستور المنجمین «در ضمن ترجمه حال حضرت رضا... نقلاً از رجال کشی - دروغ بزرگی به قالب زده است» (نک. همو، ۱۳۴۵: ۱۲۲/۸، پانوش ۲؛ نیز همو، ۱۳۹۸: هفده، پانوش ۵).

برای جعلی بودن انتساب چنین نقلی به کشی، قزوینی به دو دلیل استناد می‌کند: نخست آن که «این خبر اصلاً و ابداً در اختیار رجال کشی - که به دست است - موجود نیست»؛ و دیگر این که «ممکن هم نیست که در هیچ نسخه‌ای از آن موجود بوده باشد؛ چه کشی که از اعظام رجال شیعه اثنی عشریه است چگونه ممکن است در کتاب خود چنین خبری روایت کند در حقانیت مذهب اسماعیلیه و ابطال طریقه اثنی عشریه، گو اینکه بر فرض محال این خبر هم فی الواقع<sup>۱</sup> راست بوده است» (همو، ۱۳۴۵: ۱۱۷/۸، پانوش ۱؛ نیز همو، ۱۳۹۸: چهارده، پانوش ۵).

۱. بدخشانی به قصد توجیه فرض صدور چنین گفته‌ای از امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌نویسد: «شاید این واقعه در زمانی اتفاق افتاده (و این سخن در زمانی گفته شده) باشد که علی بن موسی الرضا بسیار جوان بود و اسماعیل جانشین مسلم امام جعفر صادق به‌شمار می‌رفت» (Badakhchani, 2019: p. 13, fn. 32). صرف نظر از معضلات کلامی که ←

برخلاف نوشته قزوینی، خبر مورد اشاره مؤلف دستور المنجمین را در نسخه‌های رجال کشی می‌توان یافت، و از جمله در همان نسخه‌ای که قزوینی آن را تحت تملک داشت.<sup>۱</sup> عبارتی که در دستور المنجمین با انتساب به امام رضا<sup>(ع)</sup> آمده، در رجال کشی هست، اما با اختلافاتی در تعابیر و حذف‌هایی کمابیش مخلف مقصود خبر. در دستور المنجمین، به نقل از رجال کشی و از قول امام رضا<sup>(ع)</sup>، آمده است: «أجمع علیه کبارکم و مشیختکم (اصل: مستحکم؛ کذا)، فأدخله جعفر فی کتاب الصدقة وکان إماماً» (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۸۸)؛ حال آن‌که عبارت اصلی منتسب به امام رضا<sup>(ع)</sup> در رجال کشی چنین است: «ما کانوا مجتمعین علیه؛ کیف یکونون مجتمعین علیه وکان مشیختکم وکبارکم یقولون فی اسمعیل وهم یرونه یشرب کذا و کذا فیکولون هذا أجود؛ ... قد کان أدخله [جعفر] فی کتاب الصدقة وکان إماماً» (طوسی، ۱۳۴۸: ۴۷۳-۴۷۴).

با وجود اختلافی که میان آن دو نقل هست، مضمون و مخصوصاً الفاظ آنها کمابیش مشابه است و بنابراین اتهام جعل خبر به مؤلف دستور المنجمین درست نیست. از قضا، این نقل مؤلف دستور المنجمین از رجال کشی گویای احاطه وی بر جوانب پنهان منابع

→

۱. نک. طوسی، ۱۳۴۸: ۴۷۱ (پانویشت ۳) و ۴۷۲ (پانویشت ۴)، که مصحح (مصطفوی) اختلافات ضبط نسخه قزوینی را با نشان اختصاری «ب» یاد کرده است. احتمال این‌که قزوینی بعدها - و پس از نوشتن یادداشت مذکور - به نسخه اختیار معرفة الرجال دست یافته باشد منتفی است، زیرا وی در نامه‌اش به تقی‌زاده در ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲م از خرید نسخه خطی اختیار معرفة الرجال خبر می‌دهد (نک. قزوینی، ۱۳۵۶: ۶۹، ۷۱) و در نامه دیگرش به تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۲۳م نیز به نسخه چاپی بمبئی - که از تهران به دست وی رسیده - اشاره می‌کند (نک. همان: ۷۷-۷۸)، حال آن‌که تاریخ اتمام یادداشت‌های قزوینی درباره دستور المنجمین ۸ ژانویه ۱۹۲۴م است (نک. همو، ۱۳۴۵: ۱۴۳؛ نیز همو، ۱۳۹۸: ۲۹). بنابراین باید گفت قزوینی به وجود این مطلب در اختیار معرفة الرجال تفتن نیافته بود یا آن را از یاد برده بود، هرچند در همان سال ۱۹۲۲م نسخه خطی خریداری‌شده خود را «از سر تا به آخر مطالعه» کرده بود (همو، ۱۳۵۶: ۷۲).

حدیثی - رجالی علمای امامیه است،<sup>۱</sup> زوایایی که چه بسا بسیاری از علمای امامی نیز به آن توجهی بایسته نداشته‌اند. اما خیر منقول در رجال کشی که مؤلف دستور المنجمین به آن استناد کرده است چیست، و چگونه است که یک عالم امامی مذهب این روایت را - که طبق تفسیر مؤلف دستور المنجمین در مخالفت تام با اعتقاد شیعیان دوازده امامی است - در کتاب خود نقل کرده است؟

خبری که مؤلف دستور المنجمین به آن استناد کرده، روایتی است مفصل و طولانی (روایت ۸۹۹ از اختیار معرفة الرجال، مطابق متن ویراسته مصطفوی)، که مضمون آن به اجمال چنین است: ابراهیم و اسماعیل، فرزندان ابوسمال اسدی،<sup>۲</sup> که در باب حیات یا وفات امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> تردید داشتند و از همین رو درباره جانشینی ایشان توقف کرده بودند،<sup>۳</sup> [در مدینه] بر امام رضا<sup>(ع)</sup> وارد شدند. پس از سلام بر امام<sup>(ع)</sup>، ایشان را از تردید خود و خانواده‌شان درباره امر امامت آگاه کردند و درباره موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> از ایشان پرسیدند. امام رضا<sup>(ع)</sup> به آنان خبر داد که پدرش موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> وفات کرده است. و اینک دنباله گفت‌وگوی آن دو برادر با امام رضا<sup>(ع)</sup>:

- آیا وی [پیش از وفات برای امامت پس از خود] درباره کسی وصیت کرد؟

- بلی!

- به تو؟

- آری!

۱. برای اشاره‌ای به توجه مؤلف دستور المنجمین به آثار علمای قدیم امامی (همچون احمد بن محمد بن خالد برقی، سعد بن عبدالله اشعری و ابن بابویه قمی) و نقل از آنها، نک. قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۱۶/۸-۱۱۸؛ نیز همو، ۱۳۹۸: چهارده - پانزده.

۲. درباره ابراهیم بن ابوسمال و برادرش اسماعیل، خاندان ایشان و گرایش واقعی آن دو برادر، نک. مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ ب: ۴۲، ۳۴۷-۳۵۰.

۳. آن گروه از شیعیان امامی که امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> را پس از پدرش نپذیرفتند به «واقفه» مشهور شدند؛ یعنی کسانی که بر امامت امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> توقف کردند و امامت کسی دیگر را پس از آن حضرت پذیرا نشدند. برای شرحی از اختلاف شیعیان درباره حیات یا وفات امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> و حتی اعتقاد به رجعت ایشان پس از وفات، نک. مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ۴۲، ۱۲۳-۱۲۶.

- وصیتی یگانه؟<sup>۱</sup>

- آری!

- مردم در این باره اختلاف نظر دارند. حق خدا بر ما این است که از موسی بن جعفر اطاعت کنیم. اگر او زنده است، که امام ماست؛ و اگر درگذشته، وصی او که در باب امامت به او سفارش کرده امام ما خواهد بود. حال کسی که بر چنین اعتقادی باشد چگونه است؟ آیا مؤمن است؟

- این خبر به شما رسیده است که «هر که بمیرد در حالی که امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است».<sup>۲</sup>

گفت‌وگوی دو برادر با امام رضا<sup>(ع)</sup> ادامه می‌یابد تا آن‌که ابراهیم (یکی از آن دو برادر)

می‌گوید:

- ما محضر جعفر [بن محمد<sup>(ع)</sup>] را درک نکردیم؛ و او درگذشت در حالی که شیعیان در امامت او اتفاق نظر داشتند. درباره امامت موسی بن جعفر نیز چنین بود. ولی امروز شیعیان درباره امامت اختلاف نظر دارند.

- بر او [یعنی: موسی بن جعفر] نیز اتفاق نظر نداشتند. چگونه بر او اتفاق نظر داشتند، در حالی که پیران و بزرگان شما قائل به امامت اسماعیل بودند؟ می‌دیدند که وی چه و چه می‌نوشد، ولی می‌گفتند او [به امامت] سزاوارتر است.

- [اما جعفر بن محمد] اسماعیل را در وصیت جای نداده بود.<sup>۳</sup>

- او را در کتاب الصدقة جای داده بود و او امام بود (طوسی، ۱۳۴۸: ۴۷۳-۴۷۴).

۱. «وصیة مفردة». منظور این است که آیا موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> به‌طور مشخص یک تن را به جانشینی اش معرفی کرد یا نه؟

۲. در واقع، امام رضا<sup>(ع)</sup> با استناد به حدیث نبوی مشهور نزد شیعیان که «من مات ولا یعرف امامه مات میتة جاهلیة» (نک. کلینی، ۱۴۰۱: ۳۷۷/۱، ۲/۲) ایمان کسانی را که در امامت ایشان تردید داشته‌اند نفی می‌کند.

۳. در متن عربی روایت در اینجا «قالوا» آمده است، ولی به سیاق آن‌که پرسش‌کنندگان همان دو برادر بوده‌اند قاعدتاً «قالا» صحیح است. مجلسی (۱۴۰۳: ۱۵۸/۲۵)، پانویشت ۸) در حاشیه بحار الانوار به ضرورت این تصحیح اشاره کرده است.

۴. مصطفوی جمله «اسمعیل لم یکن ادخله فی الوصیة» را به‌صورت پرسشی نشانه‌گذاری کرده است (نک. طوسی، ۱۳۴۸: ۴۷۴، سطر ۲)، اما چنان‌که مجلسی (۱۴۰۳: ۱۶۰/۲۵) نیز نوشته است، آن عبارت را باید به‌صورت خبری خواند و - از زبان فرزندان ابی‌سمال - این‌گونه تفسیر کرد که «امر اسماعیل [و امام نبودن وی] آشکار بود؛ زیرا وی در وصیت جای نداشت».

ادامه روایت، شرح اذعان اسماعیل و ابراهیم به خبر دادن امام رضا<sup>(ع)</sup> از اعتقاد درونی آنهاست (همان: ۴۷۴). حال پیدا است که منظور مؤلف دستور المنجمین از اعتراف امام رضا<sup>(ع)</sup> به امامت اسماعیل مبتنی بر کدام عبارت از خبر منقول کشی است، این عبارت: «وکان اماماً» (= و او امام بود) (همان جا، سطر ۲).

خبری که کشی نقل کرده است، خالی از غموض و ابهام و دشواری‌های معنایی و کلامی نیست.<sup>۱</sup> هم بعضی از فقرات آن، مانند درج نام اسماعیل در «کتاب الصدقة» و «امام» بودن وی، غامض و مبهم است و هم - به تعبیر مدرسی طباطبایی (۱۳۸۶ الف: ۱۴۸) - «برای یک تاریخ‌نگار اندکی دشوار است باور کند که مردم شخصی را که آشکارا مرتکب فسق و فجور شود به امامت بپذیرند»، آن هم پیران و بزرگان شیعه.

مجلسی (د. ۱۱۱۰ق) منظور از «کتاب الصدقة»<sup>۲</sup> را، در خبر منقول کشی، موقوفات امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> دانسته است و یا نوشتاری که کاتبی آن را گرد آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۱/۲۵).<sup>۳</sup> اما از عبارت محل بحث ما که به امامت اسماعیل ناظر است، یعنی: «وکان اماماً»، مجلسی سه تفسیر به دست داده است. بنا بر یک تفسیر، منظور امام رضا<sup>(ع)</sup> از آن عبارت - با فرض صحت صدور چنین نقلی - این بوده است که مردم به امامت اسماعیل نماز می‌گزارند (یعنی در نماز به او اقتدا می‌کردند). بنا بر تفسیر دیگر، مقصود از آن عبارت این است که مردم - پیش از وفات اسماعیل - گمان می‌بردند که او امام است، زیرا وی بزرگترین فرزند امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> بود و مشهور شد که درباره امامت او بداء اتفاق

۱. روایت دیگری که به نقل از ابراهیم بن ابی‌سماز از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت شده نیز خالی از بعضی معضلات کلامی مربوط به فرقه واقفه نیست. مطابق این روایت، امام رضا<sup>(ع)</sup> در پاسخی مکتوب به ابراهیم بن ابی‌سماز این قول را تأیید می‌کند که تنها امام بعدی امام پیشین را غسل می‌دهد، اما بعداً در ملاقات حضوری غسل دادن امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> به دست خود را تلویحاً نفی می‌کند (نک. اشعری قمی، ۱۴۳۰: ۱۰۳-۱۰۴).

۲. مجلسی (۱۴۰۳: ۱۶۱/۲۵)، در شرح خود از این روایت، به جای «کتاب الصدقة» ضبط «کتاب الصدقات» را آورده است.

۳. عبارت مجلسی این است: «... فی کتاب الصدقات التي أوقفها الصادق - عليه السلام -، أو کتاب الصدقات جمع کاتب» (همان جا).



افتاد (یعنی امر الهی تغییر یافت و امامت - برخلاف تقدیر پیشین الهی - به او تعلق نگرفت).<sup>۱</sup> بنا بر تفسیر سوم، که البته به گفته مجلسی نیز احتمالی بعید است، عبارت «وکان اماماً» اساساً به اسماعیل باز نمی‌گردد بلکه به امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> راجع است، یعنی معنای عبارت این است که «جعفر صادق<sup>(ع)</sup> اسماعیل را در کتاب الصدقة وارد کرد در حالی که جعفر<sup>(ع)</sup> امام بود» (همان‌جا).

باری، عبارت «وکان اماماً» را هر گونه تفسیر کنیم، از سیاق آن خبر طولانی که کشی نقل کرده است نمی‌توان اعتراف امام رضا<sup>(ع)</sup> به امامت عمویش، اسماعیل، را استنباط کرد. با این حال، چنان عبارتی در خبر منقول کشی هست؛ و هرچند مؤلف دستور المنجمین در متن آن خبر تغییراتی داده و نهایتاً آن را به رأی خود تفسیر کرده است، نمی‌توان او را به جعل اصلی خبر متهم نمود.

## ۲. منبع جوینی در تاریخ جهانگشای؟

عظاملک جوینی در تاریخ جهانگشای خود می‌گوید که در ماجرای فتح قلعه الموت به دست سپاهیان هلاکو (در سال ۶۵۴ق)<sup>۲</sup> حاضر بود و به مطالعه کتابخانه الموت «که صیت آن در اقطار شایع بود» توفیق یافت و با جلب رضایت پادشاه بخشی از «نفایس کتب الموت را»، همچون «مصاحف و نفایس کتب و آلات رصد»، از نابودی نجات داد و «باقی» را، که حاوی معتقدات دینی و آموزه‌های الهیاتی اسماعیلیان نزاری بود و به گفته جوینی «تعلق به ضلالت و غوایت ایشان داشت که نه به منقول مستند بود و نه به معقول معتمد»، سوزانید و از بین برد (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۶۹/۳-۲۷۰؛ نیز نک. همان: ۱۸۶/۳-۱۸۷).

قزوینی بر آن است که نسخه منحصربفرد دستور المنجمین «به اقرب احتمالات» جزء همان نفایس کتابخانه الموت بوده است که جوینی آنها را از نابودی رهانید و «عین این

۱. درباره مفهوم کلامی «بداء»، نک. سبحانی، ۱۳۷۵: ۴۵۱-۴۵۵؛ زریاب، ۱۳۷۵: ۴۵۵-۴۵۶.

۲. برای شرحی از فتح قلاع نزاری ایران به دست هلاکو، و مهم‌تر از همه قلعه الموت، در سال‌های ۶۵۴-۶۵۵ق،

نک. دفتری، ۱۳۷۶: ۴۸۲-۴۸۸.

نسخه را علاءالدین عطاملک جوینی، مؤلف تاریخ معروف جهانگشای جوینی، در دست داشته است» (قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۱۰/۸؛ نیز همو، ۱۳۹۸: یازده) و «در تألیف جلد سوم جهانگشا راجع به اسماعیلیه از آن اقتباساتی نموده» است، «به این معنی که شاید نسخه حاضره از جمله نسخ کتابخانه معروف الموت بوده که پس از فتح آن قلاع ... به دست جوینی افتاده ... و چون از جمله کتب دینی و مذهبی آن طایفه نبوده آن را تلف نکرده بلکه ... مثل بعضی دیگر از مآخذ اسماعیلیه همان کتابخانه ... در تألیف جلد سوم جهانگشا به کار برده» است (قزوینی، ۱۳۸۵: ۳/۳۵۶-۳۵۷).

چنان که قزوینی اشاره کرده است، اصل این احتمال از پل کازانوا<sup>۱</sup> (د. ۱۹۲۶م، شرق شناس فرانسوی) است که بنا بر «اسلوب خط این نسخه که شیوه ایرانی آن واضح و هویداست» احتمال داده بود که «شاید این نسخه در همان قلاع الموت، یعنی در مرکز اصلی اسماعیلیه، تحریر شده باشد و ... در وقت محاصره قلاع ملاحظه و قلع و قمع ایشان به دست هلاکو» عطاملک جوینی این نسخه «را از تلف نجات» داده باشد (همو، ۱۳۴۵: ۱۴۰/۸-۱۴۲؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و هشت - بیست و نه). قزوینی تأکید می کند که احتمال کازانوا «اگرچه مجرد حدس و تخمین است و دلیلی قطعی بر آن قائم نیست»، حدسی است «بسیار صائب» و «بسیار قریب به واقعی»، و به «ظن بسیار قریب به یقین ... نه فقط این نسخه متعلق به کتابخانه الموت بوده ... بلکه به اقرب وجوه و اظهار احتمالات عین این نسخه را خود علاءالدین عطاملک جوینی، مؤلف تاریخ جهانگشای، در دست داشته و در تألیف جلد سوم از جهانگشای ... از آن مکرر استفاده نموده است» (همو، ۱۳۴۵: ۱۴۲/۸-۱۴۳؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و نه).

دلیل قزوینی بر تعلق این نسخه به کتابخانه الموت و استفاده جوینی از آن در تألیف تاریخ جهانگشای عبارت است از «تطابق و توافق کامل» میان دست نویس دستور المنجمین و تاریخ جهانگشای در مطالب «راجع به امور اسماعیلیه - از تاریخ یا عقاید و نحو ذلک - و حتی توافق در اغلاط و سقطات» (همو، ۱۳۴۵: ۱۴۲/۸؛ نیز همو، ۱۳۹۸:

1. Paul Casanova

بیست و نه)؛ به‌گونه‌ای که «بسیاری از معلومات مندرجه در جلد سوم جهانگشا راجع به اسماعیلیه، طابق النعل بالنعل و گاه تقریباً به عین عبارت، با مندرجات دستور المنجمین یکی است؛ به نحوی که ظنّ قریب به علم پیدا می‌شود که یا جهانگشا این فقرات را مستقیماً از روی دستور المنجمین برداشته یا هر دو از مأخذی مشترک نقل کرده‌اند» (همو، ۱۳۸۵: ۳/۳۵۶).

قزوینی برای نمونه‌ای از آن تطابق‌ها و توافقی‌ها به «حکایات راجع به محمد بن اسمعیل بن جعفر الصادق و فرار او به ری» اشاره می‌کند که جوینی «به احتمال بسیار قوی باید از روی دستور المنجمین برداشته باشد» (همو، ۱۳۴۵: ۸/۱۴۳، پانویس ۱؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و نه، پانویس ۲). اما به‌عنوان نمونه‌ای از «توافق در اغلاط و سقطات»، قزوینی به ذکر «ائمه ثلاثه مستورین» اشاره می‌کند که «جوینی فقط اسم دو نفر از ایشان - محمد و احمد - را برده و از امام سوم نامی نبرده است» (همو، ۱۳۴۵: ۸/۱۴۲؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و نه) و «عبارت جهانگشا تقریباً ترجمه تحت‌اللفظی جمله ... دستور المنجمین است و دو کتاب مزبور نه فقط در اسماء و القاب ائمه ثلاثه مستورین و ترتیب ذکر آن اسماء و القاب بلکه حتی در سقط نام امام سوم نیز - سهواً من الکاتب أو جهلاً من الراوی - عیناً با یکدیگر مطابق‌اند» (همو، ۱۳۸۵: ۳/۳۵۶). برای این‌که در پایین تطابق و توافق مورد اشاره قزوینی چگونه و چه اندازه است، باید متن نسخه دستور المنجمین و تاریخ جهانگشا را در دو شاهد مذکور با یکدیگر مقایسه کنیم.

در نسخه دستور المنجمین درباره سرانجام محمد بن اسمعیل بن جعفر صادق<sup>(ع)</sup>، فرار او از عمال هارون الرشید و سکونت وی در روستایی در دماوند چنین آمده است:

ذكر بعض الرواة أنّ الرشيد طلبه، فقبل له أنّه بالري؛ فسار الرشيد على أثره. فلما لم يجده بها و حكى أنّه بنيسابور، تبعه إليها. فلما قيل أنّه مضى إلى الهند، عدل الرشيد إلى الطوس فمات بها. وفي بعض الروايات أنّ الرشيد طلبه، فخرج عليه مع عمّه - محمد بن جعفر - إلى الري و صار إلى اسحق بن العباس - والي الري -؛ وكان لإسحق أختٌ تسمى "ساره" و كانت متصلة بزبيده - امرأة الرشيد - و كانت لها بنتٌ فزوّجها السيد محمد بن اسمعيل. فلما دخل الري زفها إليه خالها اسحق بن العباس - وهو الذي بنى (اصل: بنا) اسحاق آباد (اصل: اسحقاباد) بالري - وهو مستخفٌ بها، إلى أن خرج الرشيد في طلبه إلى الري،

فتواری السید محمد و أهله بخوار الری علی ثلاثة أيام منها. فلما قرب الرشید من الری، انتقل بها إلى دنباوند و أسكنه منصور بن خسرهان - والیها - قرية یسمى "سُرگلی". فطلبه الرشید اشدّ الطلب، فأبى علیه منصور بن خسرهان و لم یخبره بموضع السید. فقتله اشدّ قتل. و مضى الرشید إلى خراسان. و یقال: لحق السید محمد ببلاد الهند (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۶۸).

اما آنچه درباره محمد بن اسماعیل در تاریخ جهانگشای جوینی آمده، چنین است: و چون اسماعیل وفات کرد، پسر او محمد بن اسماعیل، که در روزگار جعفر بزرگ بود و از موسی به سنّ بزرگتر بود، بر جانب جبال برفت و به ری آمد و از آنجا به دماوند به دیه سمله (نسخه بدلها: سلمه؛ شمله؛ حدس قزوینی: شَلْمَبَه، قصبه دماوند)<sup>۱</sup> و محمدآباد در ری منسوب به اوست. و او را فرزندان بودند متواری به خراسان، و بر جانب قندهار - که از ولایت سند است - برفتند و آنجا متوطن شدند<sup>۲</sup> (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۴۸/۳ و پانوش ۶ همانجا).

چنانکه می بینیم، میان این دو متن نه تنها «تطابق و توافق کامل» وجود ندارد؛ بلکه اختلافات مهمی نیز میان آنها هست، از جمله در نام روستایی در دماوند که محمد بن اسماعیل به آنجا پناه آورده بود. بدین ترتیب، اتفاقاً باید گفت که دست‌کم در این بخش دست‌نویس دستور المنجمین از منابع جوینی در تألیف تاریخ جهانگشای نبوده است. حال به شاهد دوم قزوینی پردازیم. درباره سه امام مستور اسماعیلی، در فاصله میان محمد بن اسماعیل و عبیدالله مهدی،<sup>۳</sup> در نسخه دستور المنجمین چنین آمده است:

الأئمة الثلاثة المستورین الممتحنین الصابرين<sup>۴</sup> فی کتاب اللّٰه - تعالی - : الرضی [و] الوفی و التقی - رضوان اللّٰه علیهم - . منهم من استوطن سلمیة لما طلبه العباسیة و

۱. درباره بقعه‌ای مشهور به «امامزاده محمد» در روستای شَلْمَبَه دماوند و احتمال این‌که خاک‌جای محمد بن اسماعیل و یا محل اقامتش بوده باشد، نک. خامه‌یار، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۵. حسب اطلاع آقای حسین مرانکی، بعضی از اهالی کهن‌سال دماوند بر آن‌اند که در روستاهای دماوند مزار امام‌زادگان اسماعیلی وجود دارد.

۲. درباره سه امام مستور متقدم در سلسله امامت اسماعیلی و اختلاف در نام و نسب ایشان، نک. دفتری، ۱۳۷۶: ۱۲۷-۱۲۹.

۳. همچنان‌که قزوینی (۱۳۸۵: ۳/۳۵۵، پانوش ۹؛ همو، ۱۳۴۵: ۱۲۱، پانوش ۱؛ نیز همو، ۱۳۹۸: شانزده، پانوش ۸) اشاره کرده است، از نظر نحوی صورت صحیح این عبارت چنین است: «المستورون الممتحنون الصابرون».

مسجد به معروف. و يقال: أساميهم (اصل: اسلاميهم؛ بدون نقطه‌گذاری حرف «ی») محمد بن احمد. و فی أيامهم كان الشيخ ابوحاتم الرازي وبقی بعد إنتقال مولانا المهدي -رضی اللہ عنہ- (دستور المنجمين، ۱۳۹۸: ۶۶۹).

در برابر نقل دستور المنجمين، آنچه درباره امامان مستور اسماعیلی در تاریخ جهانگشای جوینی آمده چنین است:

و گفتند: میان محمد بن اسمعیل و مهدی سه امام مستور بوده‌اند، نام‌های ایشان محمد بن احمد بن است (نسخه‌بدل‌ها: محمد بن احمد بن لیث؛ محمد و احمد و قاسم) و القاب ایشان رضی و وفی و تقی، و مهدی پسر تقی است (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۵۸/۳-۱۵۹).

چنان‌که می‌بینیم، در این نمونه مشابهت میان دو متن شایان توجه است، ولی این مشابهت به‌گونه‌ای نیست که بتوان حکم کرد جوینی عبارت خود را عیناً از نسخه دستور المنجمين برگرفته است. مخصوصاً در افتادگی نام امام مستور اول، در همه نسخه‌های اساس طبع تاریخ جهانگشای پس از نام «احمد» کلمه «بن» آمده، ولی در نسخه دستور المنجمين کلمه «بن» پس از نام «احمد» وجود ندارد.

جز شواهد دوگانه بالا، که هیچ یک مؤید ادعای استفاده و اقتباس جوینی از دستنویس دستور المنجمين نیستند، قزوینی در حاشیه تاریخ جهانگشای به نمونه دیگری نیز اشاره کرده است که می‌تواند قرینه‌ای بر استفاده و اقتباس جوینی از دستور المنجمين تلقی شود. در عبارتی از تاریخ جهانگشای می‌خوانیم: «و گفتند: موسی بن جعفر فادی النفس بود از اسماعیل و علی بن موسی الرضا فادی النفس بود از محمد بن اسماعیل» (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۵۱/۳). به نوشته قزوینی، در برابر عبارت مذکور که مبتنی است بر چهار نسخه از نسخه‌های تاریخ جهانگشای، در یک نسخه با حذف بخشی از عبارت چنین آمده است: «و گفتند: موسی بن جعفر فادی النفس بود از محمد بن اسماعیل» (همان‌جا، پانویس ۱۴). قزوینی (همان‌جا) عبارت این نسخه را با این عبارت از دستور المنجمين «عیناً مطابق» دانسته است:

---

۱. قزوینی ضبط نسخه را در اینجا «اسلامهم» خوانده و آن را به «اسمانهم» تصحیح کرده است (نک. قزوینی، ۱۳۸۵: ۳۵۶/۳ و پانویس ۱ همان‌جا؛ نیز جوینی، ۱۳۸۵: ۱۵۹/۳، حاشیه ۱-۱). به گمان من، ضبط نسخه در اینجا «اسلاميهم» است و باید آن را به «اساميهم» تصحیح کرد.

وقد روی آنه كان فدى ابن أخيه محمد بن اسماعيل - عليه ال[سلام] - بنفسه لما طلبه العباسية (دستور المنجمين، ۱۳۹۸: ۶۸۷).

پیدا است که این عبارت نیز در تطابق کامل با ضبط آن نسخه خاص از تاریخ جهانگشای نیست، و چه بسا منبع جوینی مأخذ اسماعیلی دیگری بوده باشد.

### ۳. مؤلفی در الموت یا کاتبی سنی مذهب؟

کازانوا، چنان که قزوینی از وی نقل کرده است، دست نویس منحصر بفرد دستور المنجمین را «نسخه اصل مصنف» می داند (قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۳۲/۸؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و سه). قزوینی خود نیز بر این ادعا صحه گذاشته، هر گونه شک و شبهه را در این باره مردود دانسته (نک: همو، ۱۳۴۵: ۱۳۹/۸-۱۴۱، پانوش ۴؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و هفت - بیست و هشت، پانوش ۸) و به تأکید نوشته است:

نسخه حاضرة دستور المنجمين ... به نحو قطع و يقين نسخه اصلی مؤلف است نه سوادى از آن (همو، ۱۳۸۵: ۳۵۷/۳).

دلیل کازانوا بر ادعای اصل بودن نسخه دستور المنجمین دو چیز است: نخست، شکل کتابت متن در این دست نویس، «که بسیاری از اوقات، و مخصوصاً در عناوین، سطور بیش از اندازه مخصوص امتداد یافته و به حاشیه کتاب رفته، و در بسیاری از صفحات دیده می شود که قسمتی از صفحه بدون هیچ نظم و ترتیبی به خطوط عمودی یا معوج یا مورب ... نوشته شده است و نه افقی مثل سایر سطور؛ و این خطوط اغلب ... به خط همان کاتب اصلی نسخه است و موضوع آنها اغلب توضیح متن و تتمیم معنای آن [یا] تکمیل و تفسیر آن است و ... حواشی و تعلیقات و ملحقاتی است که خود مؤلف بر اصل متن علاوه نموده است» (همو، ۱۳۴۵: ۱۳۲/۸-۱۳۳؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و چهار). دیگر، وجود یکی از همان «حواشی که به خط همان کاتب اصلی است و به اقرب احتمالات بل به طور قطع

۱. در نسخه چاپی یادداشت های قزوینی کلمه «قطع» اشتباهاً بین دو کلمه «کاتب» و «اصلى» آمده و جمله را بی معنا ساخته است. همین اشتباه عیناً در بازچاپ مقدمه قزوینی در ابتدای چاپ نسخه برگردان تکرار شده است (نک. قزوینی، ۱۳۴۵: ۱۳۵/۸؛ همو، ۱۳۹۸: بیست و پنج).

در حدود سنه ۵۰۰ هجری نوشته شده است»، و از آنجا که بنا بر شواهد موجود در متن دستور المنجمین در حدود سال پانصد هجری نوشته شده است، کازانوا فرض گرفته است که نسخه موجود نیز «باید در حدود سنه ۵۰۰ هجری یا اندکی پس و پیش نوشته شده باشد» (نک. همو، ۱۳۴۵: ۱۳۵/۸-۱۳۹؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و پنج - بیست و هفت).

افزون بر مدعای اصل بودن نسخه دستور المنجمین، کازانوا بر اساس «دو فقره یادداشت در دو موضع از نسخه ... به زبان فارسی و به خطی بسیار شبیه به خط متن کتاب ولی ظاهراً مؤخر از عصر خود نسخه» (همو، ۱۳۴۵: ۱۳۲/۸؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و سه - بیست و چهار) و نیز «از اسلوب خط این نسخه که شیوه ایرانی آن واضح و هویداست»، احتمال داده است که «شاید این نسخه در همان قلاع الموت، یعنی در مرکز اصلی اسماعیلیه، تحریر شده باشد» (همو، ۱۳۴۵: ۱۴۰/۸-۱۴۱؛ نیز همو، ۱۳۹۸: بیست و هشت).

برخلاف نظر کازانوا، و قزوینی به تبع وی، باید گفت که دست‌نویس موجود دستور المنجمین نه تنها به خط مؤلف نیست، بلکه احتمالاً به دست کاتبی سنی‌مذهب و طبعاً در جایی غیر از الموت کتابت شده است.

آنچه اصل بودن دست‌نویس را (یعنی این که نسخه موجود به خط مؤلف باشد) رد می‌کند، وجود اغلاط کتابتی متعدد و افتادگی بخش‌هایی از متن است.<sup>۱</sup> برای نمونه‌هایی از آن اغلاط می‌توان به کتابت‌های نادرست «الطادق» به جای «الصادق» (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۶۸، سطر ۱)، «اولاده» به جای «ولادة»<sup>۲</sup> (همان: ۶۸۶، سطر ۴) و «العلسکری»

۱. صفری آق‌قلعه با تأکید بر لزوم «احتیاط» در انتساب این نسخه به خط مؤلف، یادآور شده است که «برخی از لغزش‌های نسخه از نوعی است که معمولاً کاتبان مرتکب می‌شوند و نه مؤلفان». وی برای نمونه به سطور پایانی برگ ۲۰ اشاره کرده است که در آن «کاتب به اشتباه عبارت سطر بالایی را تکرار کرده و در نیمه‌های سطر به این موضوع پی برده و عبارت درست را در دنباله نوشته، و مکررات نادرست پیشین را خط زده است». به عقیده صفری، «تقریباً می‌توان گفت که چنین اشتباهی در نسخه اصل و به‌ویژه مسوده مؤلف پیش نمی‌آید» (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۸: ۴۷۰). چنان‌که در ادامه خواهیم دید، برای رد انتساب این نسخه به مؤلف شواهدی بسیار محکم‌تر از شاهد احتمالی مذکور وجود دارد.

۲. شایان یادآوری است که این اشتباه زائیده بدفهمی متن است و نه صرفاً یک سهو عادی. متن دستور المنجمین در اینجا چنین است: «كما نصّ الظاهر - رضی اللّٰه عنه - ساعة اولاده المستنصر - رضی اللّٰه عنه -». پیداست که ←

به جای «العسکری» (همان: ۶۸۹: سطر ۱ در حاشیه عمودی نسخه) اشاره کرد. جالب اینجاست که قزوینی خود به وجود اغلاط کتابتی در این نسخه تفطن داشته و مخصوصاً به غلط بودن کتابت «اولاده» به جای «ولاده» (نک: قزوینی: ۱۳۴۵: ۱۲۶، پانوش ۵؛ همو، ۱۳۹۸: بیست، پانوش ۴) و «العلسکری» به جای «العسکری» (نک: همو: ۱۳۴۵: ۱۲۲؛ همو، ۱۳۹۸: هفده) اشاره کرده است. از افتادگی های متن نیز، برای نمونه، می توان به شرح احوال امام حسین<sup>(ع)</sup> اشاره کرد که عنوان «و نقش خاتمه» (= و نقش انگشتری وی) در آن هست ولی متن ذیل عنوان نوشته نشده است (دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۶۳، سطر ۱۴).

اما آنچه اسماعیلی بودن کاتب، و به طریق اولی کتابت نسخه در الموت، را رد می کند، کاربرد گسترده عبارت دعایی «صلی الله علیه وسلم» برای پیامبر<sup>(ص)</sup> است (برای نمونه، نک. همان: ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۵، ۶۵۴، ۶۶۳). همچنین است کاربرد مکرر عبارت دعایی «رضی الله عنه» برای ائمه شیعه - به طور کلی - و ائمه اسماعیلی - به طور خاص - . به این نمونه ها، که اندکی است از بسیار، بنگرید: «علی - رضی الله عنه -» (همان: ۶۲۶، ۶۲۷)، «الحسن - رضی الله عنه -» (همان: ۶۶۲)، «حسین بن علی - رضی الله عنهما -» (همان: ۶۲۵)، «کان بینہ [= امام حسین] و بین الحسن - رضی الله عنهما -» (همان: ۶۶۳)، «جعفر الصادق - رضی الله عنه -» (همان: ۶۶۵)، «و هو [= اسمعیل بن جعفر] اول الأئمة المستورین - رضی الله عنهم -» (همان: ۶۶۷)، «مولانا محمد بن اسمعیل، السابع التام و الخلف الصادق، رضی الله عنه» (همان: ۶۶۸)، «مولانا المهدي - رضی الله عنه -» (همان: ۶۶۹)، «نصّ علیه والده الحاكم - رضی الله عنه -» (همان: ۶۸۴)، «روی عنه (= مستنصر) - رضی الله عنه -» (همان: ۶۸۵)، «كما نصّ الظاهر - رضی الله عنه - ساعة ولادة (اصل: اولاده؛ کذا) المستنصر - رضی الله عنه -» (همان: ۶۸۶).

با توجه به جایگاه خداگونه ای که امام در سنت اسماعیلی دارد، پیداست کاربردهای ستیانه مزبور نمی تواند در الموت و به دست کاتبی نزاری نوشته شده باشد. پس باید گفت

→  
کاتب ایرانی مطابق ذهنیت فارسی زبان خود عمل کرده و چون الظاهر پدر المستنصر بوده، وی متن را بد فهمیده و با بدخوانی «ولاده» و تصور «ولده» به جای آن، نهایتاً آن کلمه را به «اولاده» بدل کرده است و ضبطی غلط در غلط ساخته است.



که دست‌نویس موجود دستور المنجمین - یا حتی نسخه‌ی اساس آن - را کاتبی سنی مذهب از روی نسخه‌ای نزاری - بی‌واسطه یا باواسطه - کتابت کرده اما جابه‌جا عبارات آن را مطابق پسند اعتقادی خود تغییر داده است. آنچه این احتمال را تأیید می‌کند این است که در کنار کاربردهای متعدد «رضی الله عنه»، در همین نسخه کاربرد عبارت اصیل «علیه السلام» را برای ائمه شیعی، اسماعیلی و نزاری می‌توان یافت؛ مانند چهار نمونه زیر: «امیرالمؤمنین علی - علیه السلام» (همان: ۶۳۷)، «فولدت الحسن و الحسين - علیهما السلام» (همان: ۶۳۰)، «محمد بن اسمعیل - علیه السلام»<sup>۱</sup> (همان: ۶۸۷)، «قصه الراهب... و قوله له [= نزار بن مستنصر] - علیه السلام» (همان: ۶۸۶).

پیداست که این کاربردها از نسخه‌ی اصیل اثر بر جای مانده و به دست کاتب بعدی سنی مذهب تغییر نیافته است. به شرحی که گذشت، نسخه‌ی منحصر به فرد دستور المنجمین را باید دست‌نویسی دانست نیمه‌اصیل و آمیخته به تصرفات بعدی کاتبان غیر اسماعیلی، که طبعاً نمی‌تواند در الموت، مرکز دینی نزاریان آن دوران، کتابت شده باشد.

## منابع

- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی (بی‌تا). فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم. قم: دار الذخائر للمطبوعات (افست از چاپ نجف).
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۴۳۰ق). المجموعة الحديثية (المعروف بـ مختصر بصائر الدرجات). به کوشش مشتاق صالح المظفر. قم: مکتبه العلامة المجلسی.
- جوینی، علاء‌الدین عظاملک (۱۳۸۵ش). تاریخ جهانگشای. به کوشش محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.
- خامه‌یار، احمد (۱۳۹۵ش). محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق. تهران: نشر مشعر.
- دستور المنجمین (۱۳۹۸ش). از مؤلفی ناشناخته (حدود ۵۰۰ق). با مقاله محمد قزوینی (در شناسایی اثر)، [با] مقدمه انگلیسی سید جلال حسینی بدخشانی، مقدمه فارسی علی صفری آق‌قلعه [و] محمد باقری، زیر نظر اکبر ایرانی. تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب - مؤسسه مطالعات اسماعیلی (لندن).

---

۱. کاتب در اینجا «علیه السلام» را به صورت اختصاری «علیه الا» کتابت کرده است. برای نمونه‌ای مشابه از نگارش اختصاری «علیه السلام» در همین نسخه، نک. دستور المنجمین، ۱۳۹۸: ۶۷۵، سطر ۱۴.

- دفتري، فرهاد (۱۳۷۶ش). تاريخ و عقايد اسماعيليه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز.
- زریاب، عباس (۱۳۷۵ش). «بداء: نقل و نقد آرای مخالفان». دانشنامه جهان اسلام، ج ۲. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، چاپ دوم (با تجدید نظر).
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۵ش). «بداء: نظریهٔ بداء». دانشنامه جهان اسلام، ج ۲. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، چاپ دوم (با تجدید نظر).
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۸ش). «نسخه‌شناسی دستور المنجمین» - دستور المنجمین. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۴۸ش). اختیار معرفة الرجال (المعروف ب رجال الکشی). به کوشش حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول. به کوشش سید عبدالعزیز طباطبایی. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
- قزوینی، محمد (۱۳۴۵ش). یادداشت‌های قزوینی، جلد هشتم (فهرست کتابخانه، و فیات معاصرین، دستور المنجمین، اصطلاحات و امثال). به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۶ش). نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده (۱۹۱۲-۱۹۳۹م): یادگارنمای دوستی و همکاری دو دانشمند طراز اول ایران. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات جاویدان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش). «حواشی و اضافات» - جوینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ش). «[دربارهٔ دستور المنجمین]» - دستور المنجمین.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق). الکافی. به کوشش علی‌اکبر غفاری. بیروت: دار صعب - دار التعارف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶ش، الف). مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین. ترجمه هاشم ایزدپناه. ویرایش جدید، تهران: کویر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش، ب). میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول. ترجمه سید علی قرائی - رسول جعفریان. [ویراست دوم] با اصلاحات و اضافات، قم: نشر مورخ.
- مصطفوی، حسن (۱۳۴۸ش) - طوسی (۱۳۴۸ش)
- نجاشی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۲۴ق). فهرست أسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی). به کوشش سید موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- دستور المنجمین → Badakhchani, S. Jalal (2019). "Introduction"